

## بررسی رویدادهای مؤثر در تزلزل اعتقاد به مهدویت در دوران غیبت

سید مجتبی معنوی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش پیش رو به تحلیل عوامل مؤثر تزلزل در اعتقاد به مهدویت و بررسی به هم پیوستگی عوامل آسیب‌زا در دوران غیبت از منظر ائمه علیهم‌السلام با رویکرد آینده‌اندیشی می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، ایجاد هشدار به دلیل مواجهه هوشمندانه با عوامل این چالش اعتقادی در زمان معاصر است. مفروض تحقیق، آن است که تصویرپردازی اهل بیت علیهم‌السلام از آینده به دلیل معصوم بودن ایشان و دانش آنان به منتظران کمک می‌کند تا میزان صحت و انحطاط در اعتقاد به مهدویت را همانند مشاهده‌گر ببینند و بر اساس آن، راهبرد مناسبی برای مقابله با لغزش اعتقادی اتخاذ کنند. روش تحقیق مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی بر پایه مطالعات کتب حدیثی و آینده‌پژوهی است. با رویکرد آینده‌نگری درمی‌یابیم این مسئله در قالب تحلیل رویدادهای تأثیرگذار بر گسستن اعتقادات منتظران، قابل بررسی است؛ لذا ائمه علیهم‌السلام نخست، خطر وقوع تهدیدها را گوشزد کرده‌اند، در مرحله دوم با اشاره به عوامل و مراحل لغزش‌ها آن‌ها را مجموعه‌ای به هم پیوسته و موجب گسستن از اعتقاد به مهدویت در آینده دانسته‌اند و در مرحله سوم بر گذر شیعه از تهدیدها با درایت و هوشیاری در آینده تأکید کرده‌اند.

**کلیدواژگان:** آینده‌نگری، عوامل مؤثر، دوران غیبت، ائمه علیهم‌السلام، مهدویت، آینده‌اندیشی.

## مقدمه

مهدویت، مهم‌ترین مسئله‌ای است که در پرتو روایات با رویکرد آینده‌اندیشی، امکان پرداختن به آن وجود دارد. تأمل در تصویرپردازی ائمه علیهم‌السلام از این مسئله نشان می‌دهد آن بزرگواران با سیری منظم و منطقی به تبیین مهدویت پرداخته‌اند. تأمل در این روش به ما نشان می‌دهد این حرکت به روش‌های آینده‌پژوهی مانند تحلیل روند و چشم‌انداز، بسیار نزدیک است و بیان‌گر آن است که می‌توانیم با رویکرد آینده‌پژوهی مهدویت را بررسی کنیم. این رویکرد در ایجاد چشم‌انداز و افق دید مناسب و بصیرت و درایت در باور به مهدویت و ایجاد هشدار و هوشیاری به مخاطرات آن، در پرتو روایات مهدویت به کار گرفته می‌شود. ائمه علیهم‌السلام بسیار کوشیدند تا عوامل مؤثر و مراحل رویش و لغزش منتظران در بازه زمانی غیبت را به مهدی‌باوران نشان دهند و به آنان بیاموزند چطور از تبدیل شدن لغزش اعتقادی به بحران فرهنگی پیش‌گیری کنند؛ از این رو پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد مخاطراتی که عباسیان برای امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و معتقدان به آن حضرت به وجود می‌آورند<sup>۱</sup> هشدار داده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز ضمن ترسیم چشم‌انداز جامعه آرمانی پس از ظهور با اشاره به تهدیدهای دوران غیبت برای اصبغ بن نباته<sup>۲</sup> از عوامل مؤثر مخاطرات اعتقادی برای منتظران در دوران غیبت خبر می‌دهد و آن را در صورت اهتمام به راهبردهای ائمه قابل عبور می‌داند.

براین اساس، پرداختن به مهدویت با رویکرد آینده‌پژوهی، به کشف روند انحطاط و تزلزل در اعتقاد به مهدویت و شناخت عوامل و مراحل آن منجر می‌شود و فناوری نرم و پیچیده منفی شدن انتظار را برای ما کشف می‌کند. نیز به ما نشان می‌دهد چگونه یک منتظر، گام‌به‌گام از مهدویت فاصله می‌گیرد و با انحطاط اعتقادی از مهدویت به بیراهه کشیده می‌شود. با این وجود در پرتو راهبرد ائمه علیهم‌السلام این مسئله، قابل پیشگیری و مدیریت است.

بررسی دوران غیبت به ما نشان می‌دهد ائمه علیهم‌السلام از لغزش منتظران در صورت گرایش منفی به انتظار در دوران غیبت آگاه بودند؛ به همین سبب تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا شیعه را

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

از گرفتار شدن به این وضعیت در آینده محافظت کنند؛ به ویژه که تهدیدهای دوران غیبت و عدم حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در ساحت فرهنگ و اعتقاد، بسیار توجیه پذیر و واقعیت نما جلوه می‌کنند. در نگرش سطحی، شیعه در زمان غیبت، چاره‌ای جز تن دادن به وضع موجود و دور ماندن از وضع مطلوب را ندارد؛ در حالی که با رویکرد آینده‌اندیشی و با اتکا بر روش‌های آینده‌پژوهی می‌توان زوایای انحراف از اعتقاد به مهدویت را شناخت و با اقدامی پیش‌دستانه از تهدیدهای اعتقادی دوران غیبت در امان ماند؛ از این رو شناخت علل و عوامل لغزش اعتقادی مهدی‌باوران در زمان غیبت، یک ضرورت است که شیعه به وسیله آن می‌تواند برای مواجهه هوشمندانه با لغزش‌ها از آن بهره‌گیرد و از تبدیل شدن آن به بحران و جریان دراز دامن در نسل بعد جلوگیری کند.

خوشبختانه تحلیل مهدویت با رویکرد آینده‌پژوهی در دهه اخیر بیشتر از گذشته مورد توجه محققان مهدویت قرار گرفته و به خلق آثار مختلفی در این زمینه منجر شده است؛<sup>۱</sup> به گونه‌ای که مقالات قابل‌توجهی از آنان در قالب مجموع مقالات منتشر شده است و به صورت کلی از مهدویت و آینده‌پژوهی و ارتباط مهدویت با این رشته نوپدید بحث کرده‌اند؛ لکن مجموع مقالات مطرح، در پی ارائه یک مدل از آینده‌پژوهی اسلامی و قدسی هستند و در آن‌ها سعی بر ارائه چشم‌انداز و تصویر آینده مطلوب با توجه به ظرفیت مسئله مهدویت بوده است. به رغم تلاش چشم‌گیر محققانی مانند بهروزی لک، پورعزت، کارگر، الهی‌نژاد و دیگران به روش خاصی از آینده‌پژوهی در مورد تهدیدهای دوران غیبت به عنوان یک روند مطرح در روایات مهدویت پرداخته نشده است و در پژوهش‌های فوق، مطالعه «روند» به عنوان یک مسئله پیش‌برنده یا محدودساز در عرصه مهدویت مشاهده نمی‌شود. براین اساس، تحقیق حاضر با توجه به این خلأ درصدد بررسی عوامل مؤثر و به‌هم‌پیوسته لغزش اعتقادی شیعه در دوران غیبت (آینده) است که ائمه در روایات غیبت به آن هشدار داده‌اند و اهتمام به آن، مانع از گسستن اعتقاد به مهدویت می‌شود. با در نظر گرفتن این امتیاز برای پژوهش، نگارنده معتقد است پرداختن به

۱. برای آشنایی، ر.ک: مهدویت و آینده‌پژوهی، جمعی از محققان به کوشش رحیم کارگر، پژوهش‌هایی در باره آینده (مجموعه مقالات) دفتر فصلنامه موعود.

گام‌های لغزش از اعتقاد به مهدویت به عنوان یک روند محدودیت ساز برای ظهور تحقیقی نوین است و پژوهش درمورد آن، با رویکرد آینده‌پژوهی مخاطرات مطرح در روایات غیبت را از عصری نگری و محدود به بازه زمانی خاص بیرون برده، به شناخت پیچیدگی‌های فتنه و آشوب در آخرالزمان می‌انجامد و فراتر از انحرافات زیدیه و واقفه را به ما نشان می‌دهد. درحقیقت به کمک این روش، شیعه در هر زمان همانند مراقب و مرابط، اعتقاد به مهدویت را پایش می‌کند و از لغزش‌های پنهان و ناشناخته در امان می‌ماند و مدافعان حرم مهدویت می‌توانند در اقدامی به‌هنگام، تهدیدهای آن‌ها را خنثا کنند.

بر این اساس، این تحقیق به شناسایی گام‌ها و عوامل لغزش اعتقادی مهدی‌باوران در دوران غیبت از دیدگاه روایات مهدویت، به عنوان عوامل مؤثر و به‌هم‌پیوسته می‌پردازد که در ادامه تحقیق به آن‌ها اشاره خواهد شد.

## گام‌های لغزش در اعتقاد به مهدویت

### ۱. انتظار منفی

تأمل در روایات مهدویت با رویکرد شناسایی تهدیدهای اعتقادی در دوران غیبت، نشان می‌دهد یکی از مخاطرات جدی دوران غیبت، انتظار منفی یا همان قرائت ناصحیح و فهم غلط از انتظار است. این تهدید می‌تواند سرآغاز یک بحران و زمینه‌ساز تهدیدهای بعدی در اعتقاد به مهدویت باشد. به بیان دیگر، بخش راهبر و یا پیشران فرهنگ بر پایه اعتقادات و باورها ایجاد می‌شود؛ چرا که باورها برای نهادینه شدن رفتار، نقش انگیزشی را ایفا می‌کنند؛ از این رو می‌توان گفت سایر اعتقادات در مورد مهدویت به این مسئله پیوند می‌خورد؛ لذا برای ائمه علیهم‌السلام انتظار، اهمیت زیادی داشته و روایات پرشمار در این باره وارد شده است.

در حقیقت، فهم اشتباه از انتظار از نظر آنان، آغاز یک روند نگران‌کننده بوده که ثمره تلخ آن در آینده خود را نشان می‌دهد. عبدالحمید واسطی در این باره خدمت امام باقر علیه‌السلام رسید و به آن حضرت گفت: «کسب و کار خود را به دلیل انتظار فرج کنار گذاشتیم و نزدیک است بعضی از ما دست نیاز به سوی دیگران دراز کند». امام باقر علیه‌السلام برای اینکه خوانشی صحیح از انتظار در

ذهن او ایجاد کند و او را از یک خطای راهبردی آگاه سازد، به او فرمود: «منتظر فرج حتی اگر بمیرد و ظهور را درک نکند، مانند کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ جهاد می‌کند یا با او به شهادت می‌رسد»<sup>۱</sup>.

دقت در سخن امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد آن حضرت انتظار منفی در دوران غیبت را لغزش شیعه در اعتقاد به مهدویت می‌داند. این روند، موجب می‌شود از آن به عنوان ابزار کنترلی برای تعطیل کردن زندگی استفاده شود و این مسئله موجب عقب ماندن فرهنگ دینی می‌گردد. در این فرض از قائم باوری غفلت شده است و جامعه با رویکرد غیبت‌ستایی از انتظار مجاهدانه دور می‌شود. این مخاطره، به اندازه‌ای جدی و پرخطر است که می‌تواند جامعه منتظر را در مسیر خواسته‌های دشمنان مهدویت قرار دهد و تحول و تعالی فرهنگی را از آن سلب نماید و دشمن می‌تواند از آن به عنوان ابزار کنترلی استفاده کند، تا از تقابل جامعه منتظر با ظلم و جور جلوگیری نماید.

در سخنان رهبر معظم و متفکر انقلاب با نگاهی موشکافانه به این تهدید آمده است: «روی عقیده توحید، عقیده امامت، روی اخلاقیات اسلامی (معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت) کار کرده‌اند. همه اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمان‌ها، درست به حقیقت اینها توجه بکنیم، تبدیل به یک موتور حرکت‌دهنده جامعه اسلامی می‌شود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهن‌ها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرک، به یک داروی مخدر و خواب‌آور تبدیل می‌شود. این‌گونه است... در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، به تدریج از بین مردم زایل شود»<sup>۲</sup>.

براین اساس، نداشتن درک صحیح از انتظار، موجب می‌شود شیعه در پیچیدگی‌های دوران غیبت و در مقابل سیاست‌های مهدی‌ستیز و امام‌گریز، رفتاری منفعلانه داشته باشد و به سبب خام‌اندیشی در باور به مهدویت در عین اعتقاد به امامت، نتوان او را مهدی‌باور نامید. شدت

۱. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

این تهدید و تلخی مسئله، زمانی بیشتر نمایان می‌شود که هر اندازه زمان بیشتری از مسئله امامت می‌گذرد، منتظر با انتظار منفی، فاصله بیشتری با حجت الهی پیدا می‌کند. در حقیقت، انتظار منفی و عدم درک صحیح از امامت، سنگ بنای کجی است که تهدیدهای اعتقادی دیگری را نیز پیش روی منتظران قرار می‌دهد و وضعیت شیعه در صورت گرفتاری به این تهدید - چنانکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام اشاره فرمود- در سال‌های آینده، بدتر هم خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۲. جهالت و التقاط‌گرایی

یکی از دغدغه‌های مطرح در آینده‌پژوهی، پیچیدگی‌هایی است که تصمیم‌گیری را با اخلال مواجه می‌کند و جامعه را در آینده بر سر دوراهی قرار می‌دهد. دوران غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نه تنها از این شرایط مستثنا نیست؛ بلکه به دلایل مختلفی که این پژوهش، مجال پرداختن به آن را ندارد، پیچیدگی دوچندان دارد؛ چراکه شیعه از طرفی به دلیل غیبت آن حضرت، احساس تکلیف چندانی ندارد و از طرفی با توجه به غیبت امام، احساس مسؤولیت مضاعف دارد و این مسئله، علاوه بر آنکه موجب افراط و تفریط و غلو تقصیر می‌شود، خطر التقاط‌گرایی را برای معتقدان به مهدویت در پی دارد و روند آن خط مشی توحید و یکتاپرستی را زیر سؤال می‌برد. از تأمل در تعبیر «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَعْرِفُونَ اللَّهَ مَا هُوَ وَ التَّوْحِيدَ»<sup>۲</sup> می‌توان دریافت شیعه به رغم دراختیار داشتن میراث حدیثی و درک فزاینده از علم در دوران غیبت، ممکن است در ورای پیچ و تاب علم عرفان و فلسفه و کلام، سررشته معارف را گم کرده، با زیرپانهادن خردسالاری در اقدامی جاهلانه، به تفکری التقاطی و اندیشه‌ای آمیخته به باطل گرایش پیدا کند و همانند پیروان عرفان‌های کاذب و نوظهور، به لغزش در اعتقاد به مهدویت گرفتار شود. در حقیقت از نظرگاه روایات، هسته مرکزی اسلام، ولایت است و هرگونه انحطاط از آن به خدشه‌دار شدن توحید می‌انجامد و گرفتار شدن به آن به مثابه جهل و گم‌کردن راه توحید است. تأکید برخی روایات بر جهل و نادانی بیشتر مردم عصر غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به مردم زمان

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۹.

پیامبر<sup>۱</sup> این واقعیت را تأیید می‌کند و درباره وقوع تهدید فوق در دوران غیبت هشدار می‌دهد. این تهدید، شیعه را وارد مرحله سردرگمی در دوران غیبت می‌کند.

### ۳. حیرت و سرگشتگی در امر امامت

تحلیل عوامل مؤثر بر لغزش‌های اعتقادی در منتظران در مرحله حیرت و سرگردانی در امر امامت، گام دیگری از لغزش است که جامعه در دوران غیبت، آن را تجربه می‌کند. این خلأ معرفتی به دلیل تردید در اصل امامت یا عدم شناخت آن، رخ می‌دهد و افراد جاهل در مورد اصل امامت، دچار سرگشتگی شده، حیرت‌زده باقی می‌مانند؛ به گونه‌ای که آنان در بیعت با امام حاضر یا پذیرش امامت امام بعدی به مشکل می‌خورند و از نظر امام عسکری علیه السلام غیبت امام دوازدهم بر سرگشتگی آنان می‌افزاید.<sup>۲</sup> از دیدگاه امام علی علیه السلام نیز جامعه حیرت‌زده، شبیه شتر یا چارپایان در جست‌وجوی چراگاه است که در تلاشی بی‌نتیجه از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کنند.<sup>۳</sup>

نکته قابل تأمل در روایات دال بر حیرت جامعه مهدی‌باور در عصر غیبت، این است که این عامل مخرب اعتقاد به مهدویت، روند افزایشی و سریعی دارد و به رغم حضور علما یا نایبان خاص و امثال آنان، شیعه از خطر آن در امان نیست، تعبیر «لَا يَزَالُونَ وَلَا تَزَالُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ مَنْ لَا يَذُرُونَ خُلُقِ أُمَّ لَمْ يَخْلُقِ»<sup>۴</sup> بیان‌گر آن است که این تهدید موجب می‌شود ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و وجود آن حضرت برای برخی ثابت نشود و آنان از پیوستن به شیعیان اثناعشری باز مانند بدتر از این وضعیت آن است که آنان توان تشخیص امامت را ندارند. تعبیر «فَلَمْ يُعْرِفْ أَيُّ مِنْ أُمَّيٍّ» در سخن امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد این تهدید، معتقدان به مهدویت را مات و مبهوت می‌کند و از تمرکز بر ولایت‌مداری در فرهنگ بازمی‌دارد.

تحلیل تزلزل در اعتقاد به مهدویت نشان می‌دهد حیرت و سرگشتگی در عصر غیبت، موجب

۱. نعمانی، غیبت، ص ۲۹۷.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳. نعمانی، غیبت، ص ۱۹۲.

۴. همان، ص ۱۸۲.

گمراهی و ضلالت امت‌ها شده، آن‌ها را به بیراهه گرفتار می‌کنند. تعبیر «تضل فیها الامم»<sup>۱</sup> در روایت نبوی نشان می‌دهد این مرحله از لغزش در دوران غیبت، فقط یک تهدید فردی نیست. به عبارت دیگر در این مرحله، صحبت از انحراف شخصی نیست؛ بلکه ضلالت و گمراهی به عنوان یک جریان انحرافی و آسیب اجتماعی در حوزه فرهنگ روی می‌دهد و روندی مخرب درباره اعتقاد به امامت را به راه می‌اندازد که توقف در امر امامت می‌تواند یک نمونه از آن باشد و در روایات متعدد خطر آن گوشزد شده است.<sup>۲</sup>

تحلیل این نکته که به صورت دقیق و مشخص، روند لغزش در کدام حوزه عمل به آموزه‌های مهدویت روی می‌دهد، نیازمند مطالعه تاریخی و مستندات است که در این پژوهش جای آن نیست؛ اما بدون شک از آنجا که ارکان دین بر ولایت استوار است و هیچ عملی جایگزین ولایت نمی‌شود، روشن می‌شود این گونه روایات در صدد بیان این نکته است که دین‌داری بدون شناخت امام و باورمندی به او محقق نمی‌شود و انجام مناسک دینی بدون اعتقاد به امامت یا انحراف در اعتقاد به امامت، ثمری جز لغزش و انحراف ندارد؛ همان گونه که حج بدون لقای امام، ناتمام دانسته شده است.<sup>۳</sup> براین اساس، چنانچه جامعه منتظر در دوران غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت منفعلانه پذیرای حیرت شود و هیچ راهبردی برای مواجهه با آن نداشته باشد، وارد مرحله خطرناکی از لغزش شده است و روند انحطاط از اعتقاد به مهدویت را شتاب بخشیده است.

دقت در روایات و مطالب پیش‌گفته نشان می‌دهد حیرت در مسئله امامت - چه درباره اصل آن و چه مسائل مربوط به آن - موجب بهت زدگی جامعه در دوران غیبت خواهد شد و پیامدهای آن، جامعه را به گمراهی و انحطاط فکری در حوزه عمل و اعتقاد می‌کشاند و موجب لغزش دینی یا انحطاط در سلوک مهدوی می‌شود؛ به گونه‌ای که معتقدان به امر امامت یا با عمل و اعتقادی ناسازگار با اندیشه مهدویت - از قبیل توقف در امامت و تمرد از اطاعت نواب آن حضرت - گمراه و

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. رک: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ نعمانی، غیبت، ص ۶۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.



منحرف می‌شوند یا بدون امام و در بی‌توجهی به امامت، راهی در پیش می‌گیرد که به سکولاریزه کردن آموزه‌های مهدوی در آینده منجر می‌شود و با التقاط‌گرایی و خرافه‌گرایی از همراهی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت و حرکت درست در مسیر مهدویت باز می‌مانند. در حقیقت، جامعه، حیرت‌زده و سرگردان در جهل به امام خویش باقی مانده، هویت شیعی و ولایی خویش را از دست می‌دهد و در درازمدت به بحران هویت گرفتار می‌شود و در برابر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف احساس تعلق و وفاداری نخواهد داشت. هر جریان انحرافی‌ای، می‌تواند آن را در خود هضم کند. حتی چنین جامعه‌ای توان تصمیم‌گیری صحیح در موقع لازم و مواجهه هوشمندانه با شبهات وارد بر مهدویت و دفاع از امام خویش در مقابل دشمنان را ندارد و در هنگام هجوم دشمن به صورت منفعلانه اسیر دشمن و بازیچه مخالفان مهدویت می‌شود.

در مجموع، تاب‌آوری جامعه بهت‌زده در مقابل مشکلات عصر غیبت، بسیار ضعیف و ناچیز است؛ به همین سبب، این مسئله می‌تواند یک روند تسهیل‌کننده برای لغزش‌های بعدی باشد؛ چرا که جامعه حیرت‌زده از نظر اهل بیت علیهم‌السلام در معرض آسیب اجتماعی است و قادر به تشخیص تکلیف و اقدام به‌هنگام نیست. تعبیر «مکثوا سنینا لا یدرون ایا من ای»<sup>۱</sup> سخن امام صادق علیه‌السلام بیانگر آن است که روند لغزش با آسیب‌زایی پیوسته، جامعه را در سیطره خود گرفته و اجازه نمی‌دهد از بحران‌رهایی یابد؛ چه رسد به اینکه برای آینده، برنامه‌ریزی کند و گویی در برابر عمل انجام‌شده مانده و قادر به واکنش سریع و صحیح نیست. ائمه علیهم‌السلام، شیعه‌ی در این وضعیت را به گوسفندی تشبیه کرده‌اند که در دستان کسی است و نمی‌داند او را به چه کسی می‌سپارد و چه سرنوشتی در انتظار او است. در این موقعیت، نه جایگاهی دارند که به آنان بزرگی بخشد و نه تکیه‌گاهی که در امورشان به آن تکیه کنند.<sup>۲</sup>

بنابراین، حیرت و سرگردانی جامعه شیعه در زمان غیبت، یک تهدید بالفعل در حوزه فرهنگ برای مهدی‌باوران - به ویژه در حوزه اقدام و عمل - است. منتظران در این وضع از درون با چالش اقدام به‌هنگام روبه‌رو هستند و اراده لازم و اعتقاد راسخ درباره مهدویت ندارند و حتی فاقد

۱. نعمانی، غیبت، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۹۲.

هوشیاری لازم برای مواجهه با دشمنان مهدویت و پاسخ به هنگام هستند. درحقیقت، جامعه حیرت زده با فرصت سوزی و از دست دادن آینده در دفاع از ولایت و امامت، فرهنگ را از اعتقاد به مهدویت تهی می‌نماید و با ضعف اراده و اختیار در جنگ نرم به تجزیه قدرت و قوا گرفتار می‌شود و راه را برای نفوذ دشمنان مهدویت هموار می‌کند. این روند، شیعه را در آینده به اختلاف در امر امامت گرفتار می‌کند.

#### ۴. اختلاف امامت

اختلاف درباره مهدویت و مسائل معطوف به آن، یکی دیگر از گام‌های لغزش و عواملی است که به لحاظ تغییراتی که در بینش و عمل مهدی باوران ایجاد می‌کند، یک تهدید به شمار می‌آید. غیبت امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ برای معتقدان به آن حضرت از مسائلی است که تصور دقیقی برای عده‌ای از پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در مورد آن وجود نداشته است و به رغم آگاهی بخشی درباره مفهوم و ابعاد آن از ناحیه اهل بیت در نظر بعضی از معتقدان به امامت، «غیبت» به مثابه عدم وجود امام، تلقی شده است یا صبر بر طول غیبت برای آنان غیرممکن بوده، نتوانسته‌اند لوازم غیبت از جمله طول عمر را بپذیرند؛ لذا تصور می‌کردند امام از بین آن‌ها رفته است، یا به دلیل اینکه پیروانش از محل زندگی و سکونت او بی‌خبرند و گزارشی از حیات او مشاهده و دریافت نمی‌کنند، پس امام غایب، وجود ندارد. این در حالی است که این گونه دیدگاه‌ها، با اصل اعتقاد به امامت در نظر شیعه مبنی بر وابستگی نظام آفرینش به امام، سازگاری ندارد. در پرتو روایات درمی‌یابیم همین تعارض دیدگاه، اختلاف آنان را فراهم آورده که با تعبیر «اِسْتِدَارَةُ الْفُلْكِ»<sup>۱</sup> در روایات یاد شده است.

این مخاطره در حوزه فرهنگ مهدویت، از وحدت و انسجام مهدی باوران معتقد به مهدویت می‌کاهد و شمار زیادی از شیعیان و محبان ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را از زمره مهدی باوران در آینده بیرون می‌برد و تا زمانی که پیروان آن حضرت، در مورد مهدویت و مسائل معطوف به آن، وحدت نظر نداشته باشند، وحدت عمل به مسئله مهدویت نخواهند داشت. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام اختلاف درباره

۱. همان، ص ۱۵۷.

مهدویت را موجب فناء شیعه دانسته، آن را از عوامل شکست شیعه معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

اختلاف نظر درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آنچه به آن حضرت مربوط می‌شود، لغزش‌های زیادی در پی دارد. امام حسین علیه السلام این مخاطره را موجب نفرت و برائت معتقدان آن حضرت از یکدیگر دانسته‌اند. توهین، تحقیر و لعن یکدیگر و در نتیجه، کفر ورزی به مهدویت، روند اختلاف را در آینده تا به شهادت دادن بر ضد آنان می‌انجامد.<sup>۲</sup> نسبت کذب و دروغ دادن از سوی بعضی مهدی‌باوران به یکدیگر در پی اختلاف درباره مهدویت، بخش دیگری از روند گام‌های لغزش در آینده است که امام صادق علیه السلام از آن خبر داده است.<sup>۳</sup>

دقت در روایات مهدویت نشان می‌دهد اختلاف معتقدان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روندی پایدار دارد و در عصر غیبت تا زمان قیام آن حضرت ادامه می‌یابد و حوزه بینشی و اعتقاد به آن حضرت و اقدام و عمل معطوف به مهدویت را در آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد و در پی آن، توهین‌هایی به معتقدان صورت می‌گیرد. همچنین نسبت‌های کذب و دروغ نیز به خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام داده خواهد شد و این روند به عنوان یک آسیب فرهنگی و اعتقادی، تعداد قابل توجهی را از شمار مهدی‌باوران بیرون خواهد برد. فرصت تمیز و تمحیص در همین اختلافات نهفته است و شاید بتوان آنها را محملی برای گفتمان مهدویت در نظر گرفت؛ لکن پیامدهای اختلاف، گزینه دامن‌گیر و فرهنگ‌سوزی است که جامعه در دوران غیبت از آن رنج می‌برد. امام علی علیه السلام با اشاره به این واقعیت، آسیب فوق را در دوران غیبت پایدار دانسته و در مورد آن هشدار داده است.<sup>۴</sup> سوگمندها باید گفت تهدید فوق در حوزه فرهنگ اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین معتقدان به مهدویت به وضوح نمایان است. وجود باورهای مختلف درباره مهدویت شاهد این ادعا است. این تهدید، مهدویت اصیل را مورد غفلت قرار می‌دهد و آسیب تهدید غفلت از امامت امام غایب را در پی دارد.

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. همان.

۴. همان.

## ۵. غفلت از امامت

عوامل مؤثر تزلزل در اعتقاد به مهدویت مخاطرات مختلفی برای جامعه زمان غیبت ایجاد می‌کند. بررسی آموزه مهدویت در پرتو روایات، به ما نشان می‌دهد معتقدان به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پی وقوع غیبت، به صورت غالب، ارتباط خود را با امام قطع می‌کنند؛ به گونه‌ای که حتی توسل و توجه به آن حضرت ندارند و آنان - چنانکه در روایات آمده است - رفته‌رفته از حضرتش غافل می‌شوند.<sup>۱</sup>

بر این اساس، روند انحطاط در اعتقاد به مهدویت با غفلت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیب خطرناک دیگری است که نمایان می‌شود. این تهدید به بیهوده‌گرایی جامعه در باور به مهدویت منجر می‌شود. چنین جامعه‌ای با قطع امید از ظهور امام مهدی، آن حضرت و یارانش را در آینده وارث زمین نمی‌بیند و به همین لحاظ، خط مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری براساس آینده‌قدسی و مطلوب در این جامعه معنا ندارد. همین مسئله، زمینه تهدید دیگری تحت عنوان تردید در امامت را رقم می‌زند.

## ۶. تردید در امامت

بررسی روایات مهدویت با رویکرد شناسایی پیوستگی آسیب‌ها به یکدیگر نشان می‌دهد شک و تردید درباره وجود امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از بدترین مخاطرتی است که شیعه در آینده با آن روبه‌رو می‌شود. تعبیر «يَا أَحْمَدُ مَا كَانَ حَالَكُمْ فِيمَا كَانَ فِيهِ النَّاسُ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِزْتِيَابِ»<sup>۲</sup> از سوی امام عسکری عليه السلام به احمد بن اسحاق، بیانگر نگرانی شدید آن حضرت در مورد وضعیت شیعه با شک درباره امامت است؛ چرا که شیعه در این مرحله از لغزش، در معرض یک شبیخون فرهنگی بزرگ قرار گرفته است. شدت این تهدید، زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم امام حسن عسکری عليه السلام از آن به عنوان سخت‌ترین ابتلای تاریخ امامت یاد می‌کند.<sup>۳</sup> تعبیر «مَا مِئِي أَحَدٌ مِنْ آبَائِي ع بِمَا مِئِيَتْ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعِصَابَةِ» در بیان امام یازدهم، حکایت از عمق فاجعه‌ای

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲۲.

۳. همان.

فرهنگی دارد که شیعه در دوران غیبت به آن گرفتار می‌شود.

در حقیقت، شک درباره امامت و جانشینی امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام مرحله‌ای دیگر از بحران اعتقادی و تهدید فرهنگی بود که آثار ناگواری در ساحت فرهنگ و اعتقاد در دوران غیبت برجای گذاشت؛ چرا که با پنهان‌زیستی امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ و کم‌رنگ شدن ارتباط امام با مردم و بالعکس، برخی شیعیان، طریق ارتباطی با نواب و حلقه وصل با علما را گسستند و به رغم تأکید بر وفاداری به امامت و اعتماد به سفارت و وکالت، شک و تردید در امامت را پیش گرفتند و اعتقاد خود به امام را از دست دادند.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام با تعبیر «بَقِيَتْ قُلُوبٌ تَتَقَلَّبُ فَرْنَ مُخْصِبٍ وَ مُجْدِبٍ»<sup>۱</sup> با هشدار درباره وقوع این تهدید در دوران غیبت امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ به شیعه گوشزد کرده است که عده‌ای با راه دادن باطل به اندیشه خود، روزنه‌ای از قلب خود به شک باز می‌کنند و با نادیده گرفتن راهنمایی و راهبری اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بین خود و امام، فاصله ایجاد می‌نمایند.

واقعیت آن است روند لغزش با تردید در مسئله امامت به وسیله فعالیت سلبی و تقصیر نسبت به امام شتاب می‌گیرد. در این مرحله، جامعه با کوتاهی کردن در مورد امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ به اقداماتی دست می‌یازد که به فاصله گرفتن از امام منجر می‌شود. در بعضی روایات نقل شده از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام برای اشاره به این تهدید آمده است: «قائم، همان شخصیتی است که در ولادت او شک می‌شود؛ بعضی در مورد او فکر می‌کنند پدرش بدون فرزند از دنیا رفته است و بعضی بر این باورند او تولد نیافته است، و برخی او را غایب می‌شمارند، و گروهی معتقدند او چند سال قبل از وفات پدرش متولد شده و همان شخصی است که جامعه، آمدنش را انتظار می‌کشد.»<sup>۲</sup> در این مرحله، دل‌های شیعه با غیبت، مورد امتحان قرار می‌گیرد و افرادی که راه باطل را در پیش گرفته‌اند، به شک و تردید گرفتار می‌شوند و روند لغزش را تسریع می‌کنند. تعبیر «يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ»<sup>۳</sup> برای ما آشکار می‌سازد روند انحطاط در اعتقاد به مهدویت، از سوی عوامل باطل‌گرایی

۱. نعمانی، غیبت، ص ۱۹۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۲.

صورت می‌گیرد که در آینده، امامت را در خاطر خود بیهوده می‌پندارند.

از دقت در مطالب پیش‌گفته و تأمل در روایات فوق، معلوم می‌شود تردید و دودلی، عامل دیگری است که اعتقاد جامعه منتظر به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه را در آینده تهدید می‌کند و چنانچه جامعه به این تهدید گرفتار شود، باور خود به امامت را از دست می‌دهد و امام در نظر افراد مردد، به عنوان منجی موعود جلوه‌ای ندارد. این نوع از تهدید، اجازه چاره‌جویی برای مشکلات عصر غیبت و رهایی از آنها را نمی‌دهد. در حقیقت، این تهدید، جامعه منتظر را به صورت خودخواسته از اعتقاد صحیح به مهدویت دور می‌کند و زمینه‌ساز بازگشت از عقیده مهدویت خواهد شد. تعبیر «حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُؤَدِّ»<sup>۱</sup> در سخن امام سجاد علیه السلام این دگرگونی اعتقادی را به وضوح نشان می‌دهد.

براین اساس، بینش و اعتقاد جامعه در صورت مواجهه با شک، به تدریج سست شده و تا مرز انکار ولادت پیش می‌رود. با لغزش در این مرحله انکار ولادت به عنوان انکار اصل وجود امام نمایان می‌شود که منکرین ولادت و مرتابین در امامت برای اینکه از باور به امامت بگریزند، آن را دستاویز خود قرار می‌دهند و با همین بهانه امامت امام غایب را نمی‌پذیرند. درحقیقت با این خطای راهبردی، امام و ابعاد وجودی او در این نوع نگاه، کارکردی ندارد و این آسیب، خود زمینه‌ساز ارتداد و بازگشت از اعتقاد به مهدویت در آینده می‌شود.

## ۷. بازگشت از اعتقاد به مهدویت

تهدیدهای فرهنگی متوجه مهدویت در حوزه باور و اعتقاد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه همان گونه که جامعه در بعد بینش دچار اشتباه می‌شود، در میدان عمل نیز مرتکب خطای راهبردی می‌گردد و اعتقاد به مهدویت و ملزومات آن را در آینده کنار می‌گذارد و به فرموده امام کاظم علیه السلام از آنچه قبلاً به آن معتقد بوده، رویگردان می‌شود.<sup>۲</sup>

تعبیر «حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ» در کلام آن حضرت، بیانگر این است که جامعه معتقد به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در عصر غیبت با مخاطره جدی حفظ اعتقاد به مهدویت روبه‌رو

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. نعمانی، غیبت، ص ۱۵۴.

است و در دوران غیبت وضعیتی پیش می‌آید که حفظ دین و اعتقاد به مهدویت به صورت جدی به چالش کشیده می‌شود و به از دست دادن دین عده‌ای و فساد اعتقاد آنان در باره مهدویت می‌انجامد. در این مرحله از لغزش، همراهی با امامت و ولایت به عنوان رکن اصلی دین برای جامعه، طاقت‌فرسا و گران به نظر می‌آید؛ به همین لحاظ، بیم آن است که معتقدان به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اعتقاد خود برگردند و راه بیراهه در پیش گیرند. امام علی ع با هشدار درباره وقوع این نوع از تهدید، آن را ارتداد در دوران غیبت دانسته است.<sup>۱</sup>

بر این اساس، ارتداد و بازگشت از اعتقاد به مهدویت، یکی دیگر از گام‌های لغزش است که در دوران غیبت به وقوع می‌پیوندد و موجب فاصله گرفتن عده قابل توجهی، از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد شد. این نکته را نباید از نظر دور داشت که ارتداد در این روایت و امثال آن، به معنای «رده» و در ردیف کفر نیست؛ بلکه با توجه به احادیث مهدویت به معنای بازگشت از اعتقاد و تحول و دگرگونی در اعتقاد می‌باشد.<sup>۲</sup> و این بدان معنا است که ما نمی‌توانیم منکران امام مهدی یا افرادی که اعتقاد ضعیفی به آن حضرت دارند را کافر بدانیم؛ چرا که این گونه افراد در گرداب شک گرفتار شده، به لحاظ اعتقادی، آسیب‌دیده به شمار می‌آیند. فاصله ایشان با امام از روی عناد نیست؛ بلکه به سبب حجابی است که شک و تردید بر دل آنها افکنده است و به دگرگونی و تغییر در اعتقاد دچار شده‌اند. در روایتی نبوی روند تزلزل در اعتقاد به مهدویت به رفتار قوم صالح تشبیه شده است.<sup>۳</sup>

دقت در روایت فوق نشان می‌دهد عده‌ای به سبب تغییر چهره حضرت صالح ع به او مشکوک شدند و نبوتش را انکار کردند. آنان به دلیل اینکه تصویری که از حضرت صالح در ذهن داشتند با آنچه در واقع با آن روبه‌رو شده بودند سازگاری نداشت، از حضرت صالح تنفر داشتند. از تشبیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت صالح و دقت در روند لغزش اعتقادی درباره مهدویت درمی‌یابیم تصور افراد مرتاب از امام مهدی، با حقیقت امامت و مهدویت مطرح در

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲. برای مشاهده توضیحات بیشتر رک: لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۳.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۷.

اندیشه اسلامی تفاوت دارد و همین اشتباه موجب شده آنان در آینده از اعتقاد به مهدویت فاصله بگیرند که البته این خود یک تهدید اعتقادی برای جامعه مهدی‌باور به شمار می‌رود و می‌تواند تعداد قابل توجهی از افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و بین آنان و امام مهدی فاصله بیاندازد و موجب شود این افراد، امام دوازدهم را به عنوان حجت‌حی و امام غایب نپذیرند و رویکرد انکار مهدویت را در پیش گیرند.

در حقیقت، زمانی که جامعه منتظر از امام خویش غفلت نموده، او را از یاد ببرد، به صورت خودخواسته از اعتقاد به امامت بر می‌گردد و به ارتداد و دگرگونی اعتقاد درباره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف گرفتار می‌شود و همان گونه که امام جواد علیه‌السلام به صقرابی دلف هشدار داده است، با این لغزش اعتقادی ذکر و یاد امام مهدی در دوران غیبت از بین خواهد رفت.<sup>۱</sup> سناریوی خرافه‌گرایی و تأویل هم‌ثمره همین مرحله از انحطاط است که براساس آن امام مهدی با تأویل و قرائت نادرستی که در دوران غیبت شکل گرفته مواجه خواهد شد.<sup>۲</sup> بر این اساس، درمی‌یابیم بازگشت عده‌ای از اعتقاد به مهدویت در اثر طولانی شدن غیبت، روند استحاله در فرهنگ و دگرگونی در اعتقاد به مهدویت را در آینده تسریع و تسهیل می‌کند.

تعبیر «وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوَالِي» در روایت فوق می‌باشد که نشان می‌دهد امام مهدی هنگامی که ظهور می‌کند با عده‌ای معتقد به آموزه‌های دینی مواجهه می‌شود که به دلیل انحرافات فکری و درک نادرست آنان از آموزه‌های دینی، ناگزیر به مقابله با آنها می‌گردد. وجود عرفان‌های کاذب و رویکردهای شیخیه و زیدیه و صوفیه، نمودی آشکار از روند لغزش و دگرگونی اعتقادی به مهدویت در زمان معاصر به شمار می‌آیند. با تحقیق میدانی گسترده می‌توان نمونه‌های متعدد دیگری را ارائه کرد که به دگراندیشی درباره مهدویت گرفتار شده‌اند و ائمه علیهم‌السلام به لغزش اعتقادی آنان در آینده هشدار داده‌اند.<sup>۳</sup> سوگمندان لغزش در اعتقاد به مهدیت و گرایش به

۱. همان، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۲۱.

۳. در این زمینه، روایات دیگری وجود دارد. برای اطلاع از آنها ر، ک: نعمانی، غیبت، ص ۱۵۷ و ۱۸۰ و ۱۸۹؛ کلینی، کافی،

ج ۸، ص ۲۸۷؛ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.



خرافات جامعه را از اعتقاد به مهدویت دلسرد می‌کند و زمینه‌ساز یأس و ناامیدی از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود.

## ۸. یأس و ناامیدی از ظهور

در پرتو باور به مهدویت، از طرفی چشم امید شیعه برای گشایش مشکلات به تحقق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و از طرفی ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف از ایجاد توجه و مطمح نظر قرار دادن و نام بردن آن حضرت نهی کرده‌اند. علاوه بر این، غیبت امام مهدی از منظر اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی طولانی را به خود اختصاص می‌دهد و بر زنده بودن و حیات پنهانی آن حضرت تأکید دارد. با این وجود، مشکلات جامعه شیعی، به رغم برخورداری از حجت‌حی همچنان پا برجاست و همین مسئله، پیامدهای مختلفی را در پی خواهد داشت که جامعه ناگزیر به مواجهه با آنها است. از آنجا که عموم افراد جامعه در سطح واحدی از معرفت و بصیرت نیستند، نمی‌توان انتظار داشت تاب‌آوری و تحمل سختی‌های زمان غیبت برای همگان به یک اندازه باشد؛ به همین لحاظ بیم آن است که اعتقاد عده‌ای به مهدویت و مسائل معطوف به آن، متزلزل شود و آنان را به یأس و ناامیدی گرفتار کند. اینجاست که بررسی روند لغزش‌های اعتقادی، حلقه دیگری از عوامل چالش برانگیز در فرهنگ مهدویت را بر ما نمایان می‌سازد و از تهدید یأس و ناامیدی از ظهور پرده برمی‌دارد.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف با اشاره به این مخاطره به مفضل فرموده است که در دوران غیبت، برخی می‌گویند امام مهدی از دنیا رفته است یا او را از بین برده‌اند.<sup>۱</sup> از نظرگاه روایات، چنین اعتقادی به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اصل، قطع امید از زنده بودن آن حضرت و کارکرد حجت‌الهی در زمان غیبت است که می‌تواند به یأس و بیهوده‌گرایی اعتقاد به مهدویت منجر شود و از معتقدان به مهدویت در ایجاد تحول و تعالی فرهنگی سلب انگیزه کند.

در همین راستا و همزمان با خزان فرهنگی در اعتقاد به مهدویت در دوران غیبت، جامعه به افسردگی و بی‌تحركی مبتلا می‌شود و این لغزش اعتقادی - چنانکه امیر بیان اشاره فرمود -

۱. نعمانی، غیبت، ص ۱۵۲.

قضاوتی ناصحیح از وجود امام را در باور افراد ناامید به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که معتقد منتظر در پی امام مهدی با تصور مرگ و یا کشته شدن امام دوازدهم در وضعیتی ناامید می‌پندارد امامی وجود ندارد و باور به امامت، اعتقادی باطل و امری بیهوده به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

تعبیر «و أَكْثَرَتْ فِي قَوْلِهَا إِنَّ الْحُجَّةَ هَالِكَةٌ» بیانگر آن است که روند لغزش در انحطاط از مهدویت در صورت غلبه یأس و ناامیدی بر جامعه شتاب می‌گیرد و بیشتر مردم در آینده، حجت الهی را از بین رفته دانسته، امامت را باطل می‌پندارند. این بدان معنا است که بودن و نبودن امام غایب در منظر این طیف از مردم، یکی است و شکل‌گیری چنین دیدگاهی قطعاً برای جامعه در دوران غیبت، خطر بزرگ و یک خطای راهبردی در نگرش به امامت به شمار می‌رود؛ چرا که چنین نگرشی، به نبود امام و حجت الهی بازگشت دارد یا لااقل به نگرش سمبلیک و نمادین مهدویت منجر می‌شود. در این مرحله از انحطاط از مهدویت، جامعه مانند کشتی طوفان‌زده‌ای است که هیچ ساحل آرامشی برای آن تصور نمی‌شود و سرنشینان آن به جز غرق شدن به چیز دیگری نمی‌اندیشند.

آسیب یأس و ناامیدی در حوزه فرهنگ مهدویت، به اندازه‌ای مخرب است که با هجوم به اعتقاد منتظران، آنان را از پذیرش اندیشه مهدویت باز می‌دارد. با این خطای راهبردی، به رغم ادله محکم برای اثبات امامت، جامعه رویکرد انکار را در پیش می‌گیرد.<sup>۲</sup> از تعبیر «بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ» در روایات می‌توان دریافت که عده‌ای در دوران غیبت، با خالی دانستن زمین از حجت الهی، به طغیان فرهنگی روی می‌آورند و از اعتقاد به امامت سرباز می‌زنند. همچنین تعبیر «أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَيْتُ عِظَامُهُ» نیز بیانگر آن است که در ورای مخاطره فرهنگی یأس، افراد مأیوس بر این باورند که امام به مثابه شخصی است که از دنیا رفته است. این یعنی امامت و مهدویت، تفکر منسوخی است که بر پایه آن نمی‌توان نسل بعد از ائمه را اداره کرد و راهبردنگاری برای آینده بر اساس اندیشه مهدویت، تفکری واهی و غیر راهگشا برای تحقق آرمان‌های جامعه مطلوب است.

۱. همان، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۵۵.

علاوه بر این، تعبیر «أَتَى ذَلِكْ»<sup>۱</sup> در روایات فوق، بیانگر این است که روند لغزش در اعتقاد به مهدویت تا آنجا پیش می‌رود که بعضی انسان‌ها با رویکرد انکاری فریاد «کدام امام؟ چه امامی؟» سر می‌دهند و با اصرار بر انکار امامت، اصل امامت و نیاز به حجت الهی را در آینده زیر سؤال می‌برند.

این تهدید علاوه بر اینکه به روشنفکرنمایی در مهدویت منجر می‌شود و گسستن از مهدویت در آینده را در پی دارد، مانع جدی از اجابت دعوت امام و نایبان اوست و از شکل‌گیری وحدت و انسجام در جامعه منتظر جلوگیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد جامعه مهدی‌باور گرد هم آمده، به منظور آمادگی برای ظهور، اقدامی کنند. ابی‌جارود از امام باقر ع روایت کرده است بعد از حالت یأسی که بر شیعه عارض می‌شود، امام مهدی، آنان را سه بار فرا می‌خواند و کسی دعوت او را اجابت نمی‌کند.<sup>۲</sup>

بر اساس حدیث فوق می‌توان دریافت یأس و ناامیدی، روند ظهور امام مهدی ع را محدود می‌کند و حتی زمانی که امام، چنین جامعه‌ای را برای نصرت و یاری فرا بخواند، دعوت امام را پاسخ نمی‌گویند. علاوه بر این، تهدید فوق، عاملی برای ریزش و کاهش مهدی‌باوران است؛ چنانکه امام صادق ع با هشدار درباره وقوع این تهدید، از باقی ماندن بخش ناچیزی از جامعه در دوران غیبت بر امر امامت امام مهدی خبر داده است.<sup>۳</sup> تهدید در روند انحطاط از مهدویت این اندیشه را در حاشیه قرار می‌دهد.

## ۹. در حاشیه قرار گرفتن مهدویت

تحلیل روند لغزش اعتقادی در مهدویت نشان می‌دهد مجموعه تهدیدهایی که در دوران غیبت شکل می‌گیرد، با سیری منظم و در قالب یک روند، در نهایت، ضربه مهلکی بر پیکر مهدویت وارد می‌کند و در پایان این اندیشه، اندیشه مهدی‌باور را نشانه می‌رود. این گام بزرگ از لغزش، موجب می‌شود مهدویت و لوازم آن از سوی جامعه کنار گذاشته شود؛ چنانکه امام

۱. همان.

۲. دلایل الإمامة (ط - الحدیثة)، ص: ۴۵۵.

۳. نعمانی، غیبت، ص ۱۷۲.

باقر علیه السلام با اشاره به این تهدید به محمد بن مسلم ثقی طحان فرمود: «قائم شبیه پنج نفر از انبیاست... شباهت مهدی به موسی این است که ترس او ادامه دارد و غیبتش طولانی و ولادتش مخفیانه است و شیعیانش به سبب اذیت و تحقیر آنان بعد از او در سختی هستند.<sup>۱</sup> بر اساس روایت فوق، درمی‌یابیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوام خوف و طول غیبت و ولادت مخفیانه از آن رو شبیه حضرت موسی علیه السلام دانسته شده‌اند که در پی آن، پیروان کلیم‌الله در پذیرش نیابت و وحدت و انسجام در زمان غیبتش و مواجهه با فرعون به دلیل ضعف و نداشتن جایگاه قوی با سختی روبه‌رو شده، مورد اذیت و آزار و تحقیر قرار گرفتند و ناگزیر به تحمل آزار و اذیت شدند. شیعه نیز در دوران غیبت با وضعیتی مشابه با مشکل بزرگ بی‌توجهی و توهین تحقیر روبه‌رو می‌شود و شرایط برای تبلور فرهنگ شیعه به دلیل اعتقادش به مهدویت سخت می‌گردد.

دقت در تعبیر «تَعَبُ شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِمَّا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَ الْهُوَانِ»<sup>۲</sup> نشان می‌دهد معتقدان به مهدویت به سبب طولانی شدن غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به امامی که ارتباطی عینی و تجربی و قابل ارائه به دیگران با او ندارند و در حوزه حکمرانی شاهد صلابت او نیستند، احساس ناراحتی و شرمساری می‌کنند. این مسئله همراه با اذیت و تحقیر آنان از سوی دشمنانی است که مهدویت را موهوم می‌پندارند. این تحقیر به گونه‌ای معتقدان به مهدویت را تحت فشار روانی جامعه قرار می‌دهد که یا باید از مهدویت دست بردارند و یا با ذلت و خواری تحقیرآمیز، پذیرای اعتقاد به مهدویت باشند. با این مخاطره، جامعه مهدی‌باور از طرفی مورد حمایت فیزیکی امام نیست و از طرفی با مخالفت درونی جامعه مواجه است و انسجام و همبستگی و همدلی آن به مخاطره می‌افتد. این مسئله در آینده - چنانکه امام صادق علیه السلام هشدار داده است - شیعه را با وضعیت بسیار شکننده‌ای مواجه می‌کند که به شدت به ریزش آنان در مورد مسئله مهدویت

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. تعبیر «هوان» از ماده (ه-و-ن) برای تحقیر به کار می‌رود. تعبیر «ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب» که در آیه ۵۹ نحل به کار رفته، از همین باب است.

می‌انجامد.<sup>۱</sup>

دقت در تحلیل روند انحطاط از اعتقاد به مهدویت نشان می‌دهد باور به مهدویت در پی رویدادهای مخرب به هم‌پیوسته در آینده کم‌رنگ‌تر خواهد شد و شیعه در آینده با گسستن پیوند عده‌ای با مهدویت روبه‌رو می‌شود که سوگمنده از راه بیراهه باز نمی‌گردند. آنان همانند سفال شکسته غیر قابل بازیابی و بازسازی می‌شوند و در پی این اتفاق که درهم‌شکستگان دیگر به آغوش مهدویت باز نمی‌گردند، مهدویت نیز در حاشیه قرار می‌گیرد. برای اشاره به این تهدید در ذیل روایت فوق وارد شده است: «حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقَلُّ» در حقیقت، تهدید کاهش جمعیت و ریزش نیروهای معتقد به مهدویت اشاره‌ای به تحلیل روند لغزش در اعتقاد به مهدیت است که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به وقوع آن در طول دوران غیبت (آینده) هشدار داده‌اند.

براین اساس با توجه به مطالب پیش‌گفته، جامعه مهدی‌باور در عصر غیبت با آسیبی اجتماعی روبه‌رو می‌شود که جامعه‌شناسان از آن به «حاشیه‌نشینی» تعبیر می‌کنند. در واقع باید گفت سوگمنده اندیشه مهدویت در عصر غیبت به حاشیه رانده شده است و حتی در جوامع اسلامی به عنوان یک تفکر راهبردی و استراتژیک دیده نمی‌شود و به عنوان یک دغدغه جدی مطالبه نمی‌گردد و پشتیبانی چشمگیری از آن صورت نمی‌گیرد؛ از این رو جامعه مهدی‌باور نیز در حاشیه قرار گرفته، شیعه تکیه‌گاه مستحکمی در برابر رویدادهای ناگوار ضد مهدویت ندارد. این مسئله به همین اندازه در حد خود یک تهدید به شمار می‌رود؛ چرا که اندیشه مهدویت، نه تنها مورد توجه و حمایت جامعه نخبگانی و نهادهای مدیریتی و تصمیم‌گیری قرار نمی‌گیرد و معتقدان به حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْعَرَبِيُّونَ نمی‌توانند به آنان تکیه کنند؛ بلکه با در حاشیه قرارگرفتن آن مورد بی‌مهری و کم‌لطفی قرار می‌گیرد.

۱. نعمانی، غیبت، ص ۲۰۷.

## نتیجه‌گیری

از بررسی روایات مهدویت با رویکرد تحلیل رویدادهای مؤثر در تزلزل در اعتقاد به مهدویت درمی‌یابیم ارتباطی پیوسته و دارای سیر منطقی بر رویدادهای دوران غیبت حاکم است که بر گسستن باورهای منتظران تأثیرگذارند؛ لذا ائمه علیهم‌السلام تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا به وسیله بازنمایی مفهوم غیبت و ایجاد امید به آینده، تصویر دقیق و مطلوبی از آینده پیش‌روی منتظران ارائه کنند. آنان با هشدار به منتظران در اقدامی پیش‌دستانه مهم‌ترین مخاطرات دوران غیبت را برای شیعه معرفی کردند؛ از جمله برداشت نادرست از مهدویت و انتظار، جهالت و التقاط‌گرایی، حیرت و سرگردانی در امر امامت و غفلت از امام مهدی و تردید در امامت غایب و قطع امید از ظهور است که موجب بازگشت از اعتقاد به مهدویت و در حاشیه قرار گرفتن این اندیشه در دوران غیبت می‌شود.

## منابع

۱. ابن جریر، محمد بن رستم، *دلائل الامامة*، بعثت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، ۲ جلد، دارالکتب الإسلامية - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ق.
۳. پدرام، عبدالرحیم و همکاران، *آینده پژوهی: مفاهیم و روش ها*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۷.
۴. پورعزت، علی اصغر، *انتخاب رویکرد واقع گرایی انتقادی برای تصویرپردازی از آینده بر اساس مختصات عدل مهدوی*، انتظار موعود، ش ۶۲، پاییز ۱۳۹۷.
۵. جمعی از محققان، *آینده پژوهی (پژوهش هایی درباره آینده «مجموعه مقالات»)*، دفتر فصلنامه موعود، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، تهران، ۱۳۹۰.
۶. جمعی از محققان، به کوشش رحیم کارگر، *مهدویت و آینده پژوهی*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۹۲.
۷. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النض علی الأئمة الإثني عشر*، ۱ جلد، بیدار - قم، ۱۴۰۱ق.
۸. خزایی سعید، پدرام، عبدالرحیم، *راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی*، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۸۷.
۹. خزایی، سعید، *روش شناسی آینده نگاری (مجموعه مقالات)*، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ۱۳۸۹.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، *جریان شناسی ضد فرهنگ ها*، تعلیم و تربیت، قم، ۱۳۸۹.
۱۱. راغب، حسین، *مفردات*، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۲. رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، تحقیق: صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۳. صافی، لطف الله، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، چاپ بیستم، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، *احتجاج*، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الإمامة* (ط - الحدیثة)، ۱ جلد، بعثت - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، *غیبت*، دارالمعارف، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۸. عالی نژاد، صمد، *آینده پژوهی از دیدگاه قرآن*، زمزم هدایت، قم، ۱۳۹۵.
۱۹. قدیری، روح الله، *بررسی و شناخت روش های مطالعه آینده*، آینده پژوهی دفاعی، تهران، ۱۳۹۵.
۲۰. کارگر و همکاران، رحیم، *مهدویت و آینده پژوهی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۳. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، *آینده‌اندیشی (مجموعه مقالات کارگاه آینده‌پژوهی)*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳.
۲۴. مسلمی زاده، طاهره، *پایگاه دانشی آیات و روایات آینده‌پژوهی*، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۵. ملکی فر، عقیل، *الغیای آینده‌پژوهی*، کرانه علم، تهران، ۱۳۸۵.
۲۶. ملکی فر، عقیل و همکاران، *الغیای آینده‌پژوهی*، اندیشکده آصف، ۱۳۸۹.
۲۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *غیبت*، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۲۸. Khamenei.ir. (دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵).